

تحقیقی پیرامون :

موانع فرهنگی در راه برابری امکانات و رفتار زن و مرد در روستا

دکتر حسین مشهور
باهمکاری پوران مشهور

در آبان ماه سال جاری سمینار فرهنگ و خانواده با همکاری
امور فرهنگی دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ و هنر در محل دانشگاه
تهران گشایش یافت .

در این سمینار، مباحث تحقیقی در موضوع زن و اشتغال
آن مطرح گردید، و تحقیق زیر یکی از این مباحث است که جنبه
هائی از اثرات اشتغال زن در خانواده های روستائی اطراف تهران
مورد بررسی قرار می گیرد .

اشتغال زن در روستا يك پدیده تازه نیست . زنان روستائی در طی قرون و اعصار، در
فعالتهای تولیدی شان به شان شوهران خود کار کرده و سهم عمده ای در امر تولید بعهد
داشته اند. زنان روستائی شمال ایران که در شالیزارها کار می کنند و یازنانی که در ایلات و
وعشایر در فعالیت های تولیدی اشتغال دارند شواهد روشنی از اشتغال زنان در فعالیت های
تولیدی هستند . بنابراین اگر امروز اشتغال سنتی زن را مورد مطالعه قرار می دهیم بدلیل

تحولاتی است که در سالهای اخیر در زمینه های اقتصادی و اجتماعی ایران بوقوع پیوسته است. اثرات تحولات اخیر شیوه زندگی و شرایط اشتغال زنان روستائی را دگرگون ساخته است از جمله این تحولات میتوان از اصلاحات ارضی نامبرد که لایحه قانونی آن در دیماه ۱۳۳۰ بتصویب رسید و پس از طی مراحل بمرور اجرا گذاشته شد. با اجرای قانون مذکور آن عده از زارعانی که نسق زراعی داشتند صاحب زمین شدند و استقلال اقتصادی و اجتماعی پیدا کردند.

زارع، مدیریت تولید و قدرت تصمیم گیری در مورد نحوه بهره برداری از زمین خود را پیدا کرد. بدنبال اصلاحات ارضی امر مکانیزه کردن کشاورزی با سرعت بیشتری ادامه یافت و در نتیجه احتیاج به نیروی انسانی در روستاها کاهش پیدا کرد و برخی از روستائیان برای اشتغال در واحدهای صنعتی به شهرها روی آوردند. ورود ماشین و صنعت به برخی از روستاها روی اشتغال زنان نیز اثر گذاشت و عده ای از زنان که تا آن زمان در امر درو و برداشت محصول بعنوان کارگر کشاورزی و یا کارکن خانوادگی کار می کردند مجبور شدند که در سایر بخش های تولیدی بکار اشتغال ورزند.

مقایسه آمار سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ کل کشور با آمار سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵ به روشنی نشان میدهد که پس از اصلاحات ارضی از میزان فعالیت زنان در بخش کشاورزی کاسته شده و بر میزان فعالیت آنان در بخش صنعتی افزوده شده است.

از سوی دیگر تشکیل سپاه بهداشت، دانش و ترویج و آبادانی و اعزام جوانان سپاهی به روستاها سبب ایجاد یا مرمت تأسیساتی در روستا گردید. شبکه ارتباطی شهر و روستا توسعه یافت. روستائیان برای عرضه مازاد محصولات خود به بازارهای شهری و خرید برخی از مایحتاج خود ناگزیر از رفت و آمد بیشتر به شهر گردیدند. توسعه وسایل ارتباط جمعی، تسهیلات امر آموزشی، اعلام برابری حقوق زن و مرد و تصویب قوانینی بنفع زن، شرایط را برای فعالیت بیشتر زنان فراهم ساخته است.

تحولات مذکور شرایط اشتغال را تغییر داد بطوریکه امروزه بازنانی دو برومی شویم که به مشاغل اذقیل کارگری کارخانه، معلمی و پرستاری اشتغال دارند. اشتغال زنان در واحدهای صنعتی و بخش خدمات پدیده تازه ای است و واکنش های مختلفی را بدنبال دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین تغییر شرایط اشتغال زن و نوع مشاغل او و احتیاج کشور به ۱۸۰۰۰۰ نفر تا پایان برنامه پنجم عمرانی کشور در بخش خدمات و بخش صنعتی انگیزه اصلی ما در این تحقیق بوده است.

پژوهشهای پیشین :

تفکیک نقش زن و مرد از الگوهای نابرابری عادات و رفتار زن و مرد می باشد.

تالکوت پارسونز T. Parsons عقیده دارد که در جوامع صنعتی و خصوصاً در خانواده‌های متوسط سفیدپوست آمریکائی نقش زن و مرد تفکیک شده است و این تفکیک نقش، ازدوران کودکی آغاز می‌شود. هر یک از آنان در زندگی نقش خاصی را فرا گرفته و آنرا در جریان زندگی زناشویی و اجتماعی خود ایفاء میکنند.

دانشمندان با دلایل عدیده این قسمت از نظریه پارسونز را در مورد جوامع صنعتی مورد شناخته‌اند. اما تصور می‌رود که در روستاهای مورد مطالعه تفکیک نقش در ارتباط با جنس مصداق داشته باشد.

«بر اساس تحقیقاتی که در خانواده‌های آمریکائی و اروپائی بعمل آمده روشن شده است که زنان شاغل نسبت به زنان خانه دار در روابط با شوهرانشان از حقوق بیشتری برخوردارند داوید هیر David Heer در سال ۱۹۵۸، بلودولف Blood و Wolf در ۱۹۶۰، لویس هافمن Lowis Hoffman در ۱۹۶۰، پیردوبی Pierree de Bie در ۱۹۵۸ اژن لویسری Eugen Lupri در ۱۹۶۹ و آنت لاموزه Annette Lamouse در ۱۹۶۹ در تحقیقاتی که انجام داده‌اند باین نتیجه رسیده‌اند که استقلال اقتصادی زن، موجبات دخالت بیشتر او را در تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد.» (۱)

اکثر دانشمندان از جمله اسپیتز Spitz برس Beres و ریبیل Ribble و بولی Bowly (۲) معتقدند که فقط مادر می‌تواند موجبات رشد عاطفی کودک را فراهم سازد. برس Beres (۳) نشان می‌دهد که دوری مادر موجب ناپهنجاری رفتار کودک می‌شود. در مقابل دانشمندان شوروی و اسرائیل تربیت کودک را در خارج از خانواده و یا در مدارس شبانه روزی و یا در داخل «کیوتس» بی‌ضرر میدانند. بنظر دانشمندان این دو کشور، جانشینان مادر اهمیت زیادی دارند زیرا اگر اینگونه افراد به تربیت کودک عشق و علاقه داشته باشند می‌توانند جبران کمبود مادر را بکنند و محیط عاطفی لازم را فراهم سازند.

هدف بررسی

با توجه به پژوهشهایی که ذکر آن رفت، در این بررسی موضوعات زیر مورد مطالعه

1- Family Issues of Employed women in Europe and America, 1971, P. 44

2- Andree Michel, Sociologie de la famille et do mariage 1972 196-198

قرار می‌گیرد :
الف - شناخت الگوهای نابرابری در امکانات و رفتار زن و مرد و موانع فرهنگی در
راه توسعه اشتغال زن .

ب - اثر اشتغال زن بر روابط زن و شوهر .

ج - اثر اشتغال بر اجتماعی کردن کودک .

تعاریف :

۱- زن شاغل :

کلیه زنانی که در هفته قبل از پرسشگری در داخل یا خارج از خانه به انجام کار یا شغلی
غیر از خانه‌داری اشتغال داشته‌اند، شاغل محسوب میشوند.

تذکار :

الف - بیکاران در جستجوی کار و بیکاران فصلی که بنا به علل طبیعی که از عهده آنان
خارج بوده است چنانچه در هفته قبل از پرسشگری کار نمی‌کرده‌اند نیز جزو شاغلان
محسوب می‌شوند .

ب - زنانی که در سازهایی دوره کارآموزی می‌گذرانند شاغل محسوب نمی‌شوند .

۲- زن غیر شاغل یا خانه‌دار : مع علوم انسانی

کلیه زنانی که در هفته قبل از پرسشگری از نظر اقتصادی غیر فعال بوده و بیشتر اوقات
آنان به خانه‌داری (بچه‌داری، خرید، تهیه مواد غذایی، آشپزی، شستشوی ظروف، جارو کشی
لباس شستن و کارهایی از این قبیل) می‌گذشته است غیر شاغل یا خانه‌دار محسوب می‌شوند .
بازنشستگان و افراد از کار افتاده جزء افراد غیر شاغل محسوب می‌شوند.

روش جمع آوری اطلاعات :

اطلاعات مورد نظر از راه مصاحبه همراه با تکمیل پرسشنامه حاصل شده است و سعی
شده است روابط زن و شوهر و رفتار والدین یا فرزندان از راه مشاهده مستقیم نیز مورد
مطالعه قرار گیرد .

برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه از محاسبات آماری از قبیل خی دو

Chi - Square و همبستگی Correlatino میانگین Mean و درصد percentage استفاده شده است.

مشخصات زن مورد مطالعه

زنی که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است دارای مشخصاتی به شرح زیر می باشد.

الف - حداقل می بایستی يك فرزند کوچکتر از چهارسال داشته باشد. این مشخصه از این نظر مورد توجه قرار گرفته است که اشتغال زن بیشتر برای زمانی که مسئولیت خانوادگی دارند و عهده دار فرزند باشند و بصورت مسأله ای مطرح باشند، همچنین اکثر روانشناسان معتقدند سالیهای اولیه زندگی در پی ریزی سازمان رفتار کودک تأثیر فراوانی دارد و آنچه را کودک در چندسال اولیه سنین خود فرامی گیرد. تغییر آنها به دشواری در سالهای بعد میسر است. بنا بر این چون در این تحقیق می خواهیم اثر اشتغال یا عدم اشتغال زن را بر روی هنجار پذیری کودک مورد مطالعه قرار دهیم انتخاب کردن زنانی که فرزندان کوچکتر از چهارسال داشته اند ضروری بنظر میرسد.

ب - مسلمان و ساکن محل باشد: چون دین هر گروهی در امور اجتماعی آن گروه مدخلیت دارد و بطوری که میدانید تأثیر دین در روستا آشکارتر است، باین جهت گروه مورد مطالعه را همگن انتخاب کردیم تا از پراکندگی نتایج تحقیق تا حد امکان جلوگیری بعمل آید.

ج - کودک از يك پدر و مادر باشد. چه رفتار زن با کودکی که از شوهر فعلی اش باشد با رفتار او نسبت به کودک شوهر سابق یا کودکی زن که مرد از زن سابقش دارد تفاوت دارد برای این که این تحقیق تا آنجا که مملکت جامع و مانع باشد.

جامعه آماری، اندازه نمونه و روش نمونه گیری

ناحیه مورد بررسی کلیه دهات و آبادیهای شهرستان تهران را شامل میشود که جمعاً از ۳۵۷ آبادی تشکیل شده است و در این آبادیها جمعاً ۱۷۴۳۲ خانوار ساکن هستند*.

اجزاء آماری مورد بررسی که جامعه آماری را تشکیل میدهند عبارتند خانوارهایی که در دهات و آبادیهای شهرستان تهران ساکن بوده و حداقل يك کودک کمتر از ۴ سال داشته باشند. بدین ترتیب اجزاء جامعه مورد بررسی جزئی از ۱۷۴۳۲ خانوار ساکن در دهات و آبادیهای شهرستان تهران هستند. برای تعیین اندازه نمونه لازم است ابتدا اندازه جامعه را

بر آورد اندازه جامعه

چون آمار و اطلاعات موجود نمیتواند تعداد خانوارهایی را که در دهات و آبادیهای شهرستان تهران ساکن بوده و حداقل يك كودك کمتر از ۴ سال داشته باشند مشخص سازد، ناگزیریم با استفاده از اطلاعات مربوط به چگونگی توزیع سنی جمعیت در دهات ایران و با توجه به پاره ای فرضهای منطقی و انجام محاسبات لازم اندازه جامعه را بطور تقریبی بر آورد کنیم.

فرض میکنیم فقط مادران روستائی که سن آنها بین ۲۰ تا ۲۹ سال است بتوانند دارای كودك یا كودكانی چهار ساله و یا كوچکتر باشند. این فرض با توجه به اینکه متوسط تعداد افراد خانوار آبادیهای شهرستان تهران در حدود ۵ نفر است و با توجه به اینکه دختران روستائی در حوالی بیست سالگی ازدواج میکنند. زیاد دور از حقیقت نیست.

آمار سال ۵۲ مرکز آمار ایران نشان میدهد که تقریباً ۸٪ کل جمعیت روستاهای ایران را زنان بین ۲۰ تا ۲۹ سال تشکیل میدهند. و میدانیم جمعیت آبادیهای شهرستان تهران در حدود ۹۸۱۹۵ نفر است. نتیجه میگیریم که تقریباً ۷۸۵۶ نفر زن بین ۲۰ تا ۲۹ سال در آبادیهای اطراف تهران ساکن هستند.

$$(98195 \times 8\% = 7856)$$

بنابراین اندازه جامعه مورد بررسی نمیتواند از ۸۰۰ خانوار بیشتر باشد.

تعیین اندازه نمونه:

با توجه به اینکه اغلب معیارهایی که در پرسشنامه اندازه گیری و یا پرسش میشوند معیارهایی کیفی هستند، نمونه گیری را نمونه گیری از کیفیت در نظر میگیریم. در نمونه گیری از کیفیت اگر هیچگونه اطلاعی نسبت به درصد کیفیت مورد نظر در جامعه نداشته باشیم برای کسب دقت معینی بالاترین تعداد نمونه مورد نیاز خواهد بود. ما نیز برای اینکه نسبت به کلیه نتایج حاصل اطمینان کامل داشته باشیم فرض می کنیم که هیچگونه اطلاعی نسبت به درصد کیفیت های مورد نظر در جامعه نداریم. با استفاده از جدول نمونه گیری برای نمونه گیری از کیفیت در سطح اطمینان ۰/۹۵ اندازه نمونه بر حسب دقت مورد نیاز باید شرح زیر باشد. (اندازه جامعه را ۸۰۰ گرفته ایم).

دقت	± ۰/۰۳	± ۰/۰۴	± ۰/۰۵
اندازه نمونه	۹۴۲	۵۵۸	۳۶۷

از آنجا که برآوردهائی با میزان دقت ± 0.05 در سطح اطمینان 0.95 برای بررسی مورد نظر مناسب به نظر میرسد، اندازه نمونه را 367 انتخاب می‌کنیم البته این تعداد نمونه اگر بطور تصادفی از جامعه انتخاب شوند دقت مورد نظر را حاصل خواهند ساخت ولی ماسعی خواهیم کرد با تقسیم جامعه به گروههای نسبتاً همگن و بکارگیری روش نمونه‌گیری با طبقه بندی (stratified sampling) و انتخاب نمونه متناسب با بزرگی طبقات دقت برآوردها را بیشتر کنیم. بنا بر این نتایج حاصل دارای سطح اطمینانی بیش از 95% و دقتی بیش از ± 0.05 خواهد بود.

روش نمونه‌گیری و تعیین اجزاء نمونه:

برای استفاده از روش نمونه‌گیری با طبقه‌بندی، دو عامل را که میتوانند در تغییرات فاکتورهای مورد بررسی مؤثر باشند در نظر گرفته و جامعه را طی دو مرحله به طبقات کوچکتر تقسیم می‌کنیم. اولین مرحله تقسیم آبادیها به دو گروه واقع در شمال غربی و جنوب شرقی تهران است، چون میتوان قبول کرد که بعلمت موقعیت جغرافیائی آبادیها امکان موجود بودن بعضی ویژگیهای خاص در خانواده‌ها وجود دارد. به این ترتیب چون نسبت تعداد خانوارهای ساکن در ناحیه شمال غربی تقریباً 0.177 کل خانوارها است. تصمیم می‌گیریم که 0.177 نمونه را از ناحیه شمال غربی و 0.823 را از ناحیه جنوب شرقی انتخاب کنیم، اعداد زیر حاصل میشوند.

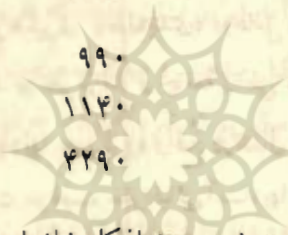
اندازه نمونه از ناحیه شمال غربی	۶۵ خانوار
اندازه نمونه از ناحیه جنوب شرقی	۳۰۲ خانوار

برای طبقه بندی مرحله دوم بزرگی و کوچکی آبادیها را در نظر می‌گیریم، چون واضح است که اندازه يك آبادی از نظر تعداد خانوار، مسلماً در عوامل مورد بررسی ما در خانواده مؤثر خواهد بود.

با استفاده از جدول شماره ۱ که توزیع فراوانی تعداد خانوار در دهات و آبادیهای شهرستان تهران را نشان میدهد آبادیها را به سه گروه پر جمعیت (بیش از ۱۵ خانوار)، متوسط (در حدود ۱۰ خانوار) و کم جمعیت (کمتر از ۱۰ خانوار) تقسیم می‌کنیم.

جدول شماره ۱

درصد از کل	تعداد خانوار در هر يك از طبقات	تعداد خانوار در گروه	فراوانی	تعداد خانوار
		۵۵۶	۱۳۹	۰ تا ۱۰
۲۸%	۴۸۱۶	۱۲۰۰	۶۰	۱۱ تا ۳۰
		۳۰۶۰	۶۸	۳۱ تا ۶۰
		۲۳۲۵	۳۱	۶۱ تا ۹۰
۳۵%	۶۱۹۵	۲۵۲۰	۲۴	۹۱ تا ۱۲۰
		۱۳۵۰	۱۰	۱۲۱ تا ۱۵۰
		۹۹۰	۶	۱۵۱ تا ۱۸۰
۳۷%	۶۴۲۰	۱۱۴۰	۶	۱۸۱ تا ۲۰۰
		۴۲۹۰	۱۳	بیش از ۲۰۰



همانطور که مشاهده می شود ۲۸٪ از کل خانوارها در آبادیهای کم جمعیت ۳۵٪ در آبادیهای متوسط و ۳۷٪ در آبادیهای پر جمعیت ساکن هستند بنا بر این سعی می کنیم تا حد امکان این قسمت‌ها را در انتخاب نمونه دخالت دهیم.

در آخرین مرحله تعیین مشخصات نمونه که شامل تعیین آبادیها و تعداد خانوار نمونه گیری شده از هر يك می باشد آبادیها را از هر يك از دو ناحیه شمال غربی و جنوب شرقی طوری انتخاب کرده ایم که اولاً تا حد امکان تعداد نمونه انتخاب شده از آبادیهای پر جمعیت، متوسط و کم جمعیت متناسب با اعداد ۳۷، ۳۵، ۲۸ بوده و در ثانی پراکنده گی جغرافیایی تا حد امکان منظور شده باشد، یعنی نمونه ها از منطقه خاصی نبوده و تقریباً تمام سطح ناحیه را پوشانند.

جدول شماره ۲ اسامی آبادیها، دهستان مربوط، تعداد خانوار و تعداد خانوار نمونه گیری شده را نشان می دهد.

آباد بهائش که برای نمونه گیری انتخاب شده اند

جدول شماره ۲

تعداد خانواری که باید انتخاب شوند	تعداد خانوار	دهستان	نام آبادی	نوع
۲۴	۲۴۰	سولقان	سنگان بالا	* شمال غربی
۱۱	۱۰۰	سولقان	کشار بالا	x شمال غربی
۱۲	۱۰۸	کن	چیتگر	x شمال غربی
۸	۳۶	کن	واریش	+ شمال غربی
۱۰	۴۲	ورد آورد	داروبخش	+ شمال غربی
جمع ۶۵ خانوار				
۸۴	۴۰۶	بهنام غرب	جراد آباد	* جنوب غربی
۲۶	۱۰۴	بهنام سوخته	ابراهیم آباد	x جنوب غربی
۴۵	۲۲۷	بهنام سوخته	حبیب آباد	* جنوب غربی
۴۰	۱۲۰	بهنام پازوکی	قوسه	x جنوب غربی
۳۸	۱۱۴	بهنام پازوکی	پروانک	* جنوب غربی
۱۰	۳۶	بهنام وسط	موسی آباد بختیاری	+ جنوب غربی
۱۶	۴۱	بهنام سوخته	محمود آباد نو	+ جنوب غربی
۱۹	۴۶	بهنام وسط	حاجبی آباد سالار	+ جنوب غربی
۱۷	۴۲	بهنام وسط	شخص آباد	+ جنوب غربی
۷	۲۵	بهنام سوخته	تشلاق شریف آباد	+ جنوب غربی
جمع ۲۰۲ خانوار				

* پرجمعیت x متوسط + کم جمعیت

الف - موانع فرهنگی در راه برابری امکانات و رفتار زن و مرد

تفکیک نقش زن و مرد موجبات پیدائی نابرابری امکانات و رفتار زن و مرد می باشد. تالکوت پارسونز T. Parsons عقیده دارد که در خانواده های متوسط سفیدپوست امریکائی نقش زن و مرد تفکیک شده است. دانشمندان با دلایل عدیده این قسمت از نظریه پارسونز را در مورد جوامع صنعتی مردود شناخته اند، اما در روستاهای مورد مطالعه تفکیک نقش در ارتباط به جنس مصداق دارد زیرا در خانواده روستائی کودک را از دوران طفولیت بر اساس نقش های جداگانه ای تربیت می کنند. این نقش ها یا از طریق روشهای تربیتی به او آموخته می شود و یا کودک در زندگی روزمره و مشاهده رفتار پدر و مادر و خویشاوندان و نزدیکان، الگوهای رفتاری آنان را فرامی گیرد. تفکیک نقش زن و مرد در روستا در موارد زیر مشاهده می شود.

۱- مشاغل زنانه و مردانه

کل جمعیت مورد مطالعه از ۳۶۷ نفر زن تشکیل یافته است. از این عده ۲۰۸ نفر یا ۵۶/۷ درصد خانه دار و ۱۵۹ نفر یا ۴۳/۳۱ درصد شاغل می باشد. زنان شاغل به مشاغل زیر اشتغال دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جدول شماره ۳

درصد	تعداد	نوع شغل
۲۰/۷	۳۳	کارگر کشاورزی
۲۲/۶	۳۶	کشاورز
۱۳/۲	۲۱	دامدار و طیوردار
۳۵/۹	۵۷	صنایع دستی
۲/۴	۷	کارگر کارخانه
۱/۲	۲	معلم
۱/۸	۳	

روپهمرفته فعالیت اقتصادی زنان درسه بخش عمده متمرکز میگردد.

در بخش تولیدات کشاورزی ۳/۴۳ درصد، در بخش صنایع روستائی و تولیدات صنعتی به ترتیب ۳۵/۹ و ۴/۴ درصد در بخش خدمات ۱/۲ درصد.

جدول گروه‌های شغلی زنان نشان میدهد که ۷ نفر با ۴/۴ درصد از زنان روستائی بعنوان کارگر کارخانه و ۱/۲٪ بعنوان کارمند دولت خصوصاً معلم مشغول کار هستند. مشاغل کارگری کارخانه و معلمی از مشاغل جدیدی است که اخیر به فهرست مشاغل روستا افزوده شده است تحقیق جو اصفی نژاد واقفمی نشان میدهد که سابقاً تعداد گروهها و قشرهای شغلی در روستا بسیار قلیل بوده و منحصر بمشاغل زیر:

اول - رعیت (برزگر، آبیاری) دوم - گاو بند سوم صیفی کار چهارم - خوش نشینان

(بورژوازی ده) مشتمل بر:

الف - پيله و و دکاندار

ب - نجار

ج - آهنگر

د - حمامی

ه - سلمانی

و - سلف خر

کارگران روزمزد:

الف - دروگر (روزمزد)

ب - عمله ده

پنجم - مالک: خان، کدخدای، مباشر، مستاجر، ملاها، چوپانان و دشتبانان* ولی امروزه مشاهده می کنیم که در اثر تحولات اجتماعی و اقتصادی ورود تکنولوژی به روستا چند شغل به مشاغل زنانه و تعداد زیادی شغل جدید به سلسله مشاغل مردان افزوده شده است. اما زنان فقط به تعداد قلیلی از مشاغل که مردان بنا بدیالی به آن توجهی ندارند، دسترسی پیدا کرده اند. مشاغلی را که زنان میتوانند در جامعه روستائی احراز کنند با مشاغل مردان تفاوت دارد جدول زیر نشان میدهد که صنایع دستی از مشاغل زنانه محسوب میشود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ازمهمترین این نوع مشاغل میتوان کشاورزی و دامداری نام برد ولی باز مشاهده می کنیم که در درون این گونه مشاغل نوعی تقسیم کار بر حسب تفکیک جنس وجود دارد. باین ترتیب که زنان بیشتر بامر باد دادن خرمن، درو و برداشت محصول اشتغال دارند و مردان امر نهركنی، شخم زدن، آبیاری بذرپاشی و... مشغول میباشند در حقیقت قسمت های ساده کار به زنان و قسمت های مشکل بمردان محول شده است شاید بتوان تصور کرد که این تقسیم بر اساس قدرت جسمانی زن و مرد صورت گرفته است. در امر دامداری نیز نوعی تقسیم کار بر اساس جنس وجود دارد زنان بیشتر در امر دوشیدن شیر، تغذیه دام و پاک کردن آغل اشتغال دارند و مردان بیشتر به جمع آوری علوفه و چرای گله میپردازند. شغل معلمی یکی از مشاغل آبرومند و مطلوب برای زنان روستائی است. شوهران روستائی اغلب با اشتغال زنانشان به معلمی موافقت و این شغل بیشتر

جدول ۴- توزیع مشاغل روستائیان بر حسب جنس

مشاغل مشترک بین زن و مرد				مشاغل مردانه		مشاغل زنانه		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
—	—	—	—	—	—	۵۷	۲۵/۹	۱- منابع دستی
—	—	—	—	۲۸	۱۰/۳	—	—	۲- کاسبی و پیشه و
—	—	—	—	۲	۰/۵	—	—	۳- خرید و فروش
—	—	۲	۱/۲	—	—	—	—	۴- معلمی
—	—	—	—	—	—	—	—	۵- کارمند و مستخدم جزء
۱۰/۶	۲۹	—	—	—	—	—	—	۶- کشاورزی
۵۲/۸	۱۹۶	۶۹	۴۲/۳	—	—	—	—	۷- دامداری
۶/۶	۱۰	۲۱	۱۲/۳	—	—	—	—	۸- کارگری مشغول
۲۰/۱	۷۶	۲۲	۶/۶	—	—	—	—	

و برعکس زنان روستائی نمیتوانند به مشاغل پشه‌وری و خرید و فروش دست یابند. تعدادی از مشاغل را زنان و مردان می توانند احراز کنند و معنی برای هیچک از آنان وجود ندارد.

زنانه است تا مردانه و مردان بیشتر در سایر کارهای دولتی به کار اشتغال دارند.

در حقیقت میتوان گفت که زنان بعلت محدودیت های فرهنگی از اشتغال در اکثر مشاغل جدید و نیز برخی از مشاغل سنتی محروم می باشند و کارفرمایان نیز بعلت وضع جسمانی زن و مرخصی های طولانی دوران بارداری و زایمان و حالت زنانگی و حمایت قوانین کار در مورد کسب شبانه زن و ساعات کار او، رغبتی به استخدام زن در امور تولیدی نشان نمیدهند.

برای رفع موانع موجود در راه اشتغال زن باید برنامه ریزی صحیحی در زمینه اشتغال زن با توجه به پیشرفت علوم، فنون، صنایع و نیازهای کشور به نیروی انسانی و افراد متخصص تهیه و تنظیم گردد. در کتاب خلاصه برنامه پنجم عمرانی کشور فصل سیاست اشتغال و نیروی انسانی در مورد اشتغال زن چنین پیش بینی شده است: «بمنظور توسعه مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی مشوقهائی برای ورود این گروه به بازار کار، مانند قائل شدن حق تقدم در بعضی از مشاغل نظیر

معلمی در نظر گرفته شد.*

بنا بر این زنان در آینده در جهت مشاغل خاصی هدایت و راهنمایی خواهند شد که متناسب با شرایط زن و احتیاجات مملکتی باشد. اما جای تردید است که اینگونه محدودیتهای ضمنی بتواند مانع ورود زنان به سایر مشاغل گردد و از سرعت و شتاب آنان برای برابری حقوق زن و مرد در زمینه شغلی بکاهد؟

ترتیب شغلی:

زنان روستائی دوره خاص را برای آموزش شغل نمیگذرانند بلکه ترتیب شغلی آنان از راه مشاهده در زندگی عملی صورت میگیرد. ترتیب فراگیری این مشاغل نیز بر حسب تفکیک جنس انجام میشود باین ترتیب که دختر از مادر صنایع دستی را می آموزد و پسر از پدر مشاغل مردانه روستائی بخصوص کشاورزی و دامداری را. اما پس از تحولات اخیر در مواردی مردان روستائی برای اشتغال به مشاغل جدید دوره های کوتاه مدت را میگذرانند. تا برای الگوهای رفتاری زن و مرد در مورد ترتیب شغلی نیز مصداق دارد در روستا اغلب دختران را برای خانه داری و ترتیب بچه بار متآوردند. بر طبق جدول شماره ۴ از ۳۶۷ نفر زن مورد پرسش تعداد ۱۰۸ نفر یا ۲۸/۶ درصد اظهار داشتند که دختران خود را برای خانه داری و بچه داری و شوهر داری ترتیب میکنند همین بررسی نشان میدهد که ۲۴۳ نفر یا قریب ۶۶ درصد بهترین شغل را برای زن صنایع دستی دانسته اند تا زن در جریان رسیدگی به امور خانه، شغلی هم داشته باشد ولی پسر به پدرش در خارج از خانه کمک می کند و برای مشاغل مردانه آماده میشود. گاهی شغل پدری خود را دنبال می کند و در اکثر موارد مشاغل دیگر را بر میگزیند. انتخاب شغلی غیر از شغل پدر دلیل بر بالا رفتن سطح سواد و توسعه و نفوذ وسائل ارتباط جمعی به حریم خانه ها میباشد. در خانواده هایی که پدر بعللی از مادر جدا شده یا فوت کرده است و مادر عهده دار اداره زندگی خانوادگی می باشد دختر بهمان الگوی رفتاری مادر را کسب میکند و چون مادران آوار خانواده میباشد دختر نیز از کودکی برای زندگی آماده میشود.

آموزش:

جدول زیر نشان میدهد که تعداد ۲۶۳ نفر یا ۷۱/۷ درصد زنان ۲۰۲ نفر یا ۵۵ درصد

* خلاصه برنامه پنجم عمرانی کشور ۵۶ - ۱۳۵۲ سازمان برنامه دیمه ۱۳۵۱

مردان بیسوادند. در میان باسواد مشاهده میکنیم که میزان سواد زنان روستائی پائین تر مردان میباشد باین معنی در که سطح کمتر از ششم ابتدائی زن و مرد تقریباً شانس برابری برای راه یافتن به مدارس و ادامه تحصیل دارند.

جدول شماره ۵ مقایسه سواد زن و مرد

میزان سواد	تعداد زن	تعداد مرد
کمتر از ششم	۶۲ ۱۶/۹%	۵۹ ۱۶/۱%
ششم ابتدائی	۲۵ ۹/۵%	۲۲ ۲۱%

ولی دموورد تحصیلات ششم ابتدائی و بالاتر اختلاف فاحشی میان زنان و مردان مشاهده میشود. بنظر میرسد که موانع ادامه تحصیل زنان از یکطرف ناشی از رشد جسمانی آنان و رسیدن به سن بلوغ و اعتقادات مذهبی بوده، و از سوی دیگر بعلت پائین بودن سن ازدواج در منطقه میباشد. زیرا عده ای از دختران قبل از رسیدن به سن قانونی ازدواج می کنند. اختلاف شانس راه یافتن به مدارس در نزد مردان و زنان در گروه های سنی مختلف تفاوت پیدا میکند باین معنی که در گروه های سنی بالا بعلت تعصبات شدید خانوادگی در مورد تحصیل زنان این تفاوت بسیار معنی دار است ولی در گروه های سنی پائین تر بتدریج بارفع قسمتی از محدودیت های تحصیلی زنان، افزایش امکانات آموزشی اختلاف میان زنان و مردان از نظر آموزشی کاهش یافته است اختلاف تحصیل زنان و مردان در گروه های شغلی تفاوت دارد. در میان کشاورزان این اختلاف نمایان تر است چون فرزندان کشاورزان مجبورند به خانواده شان در امور کشاورزی کمک کنند ولی در سایر مشاغل که این ضرورت احساس نمیشود تفاوت تحصیلی زنان و مردان تقلیل پیدا میکند. وضع درآمد و تمایلات مذهبی خانوار نیز از متغیرهای مهم برخورداری زنان و مردان از آموزش میباشد.

مدت اشتغال زن:

زنان روستائی تمام سال به کار اشتغال ندارند. میانگین مدت اشتغال آنان در عرض سال ۸/۰۸ یعنی بطور متوسط هر زن روستائی در منطقه مورد مطالعه ۸ ماه در سال بکار اشتغال دارد. میزان مدت اشتغال زنان بستگی به نوع فعالیت آنان دارد و در مناطقی که روستائیان به قالیبافی اشتغال دارند مانند «جوآباد» زنان تقریباً تمام مدت سال را کار میکنند اما در روستاهائی که زنان بیشتر بفالیتهای کشاورزی مشغولند مشاهده میکنیم که زنان نظر به موقعیت

شغلی فقط چند ماه از سال را کار میکنند و بقیه سال رایکارند. دامنه فعالیت زنان روستائی در امور تولیدی از ۱۵ روز تا ۱۲ ماه نوسان دارد.

تحقیق خانم فرشته زیری در مجموع حاکی از آنست که میزان یکاری زنان در شهر ۳/۷ درصد و در روستا ۱/۵ درصد میباشد و این بدلیل فصلی بودن کار در روستا است.

مکان اشتغال زن:

از نظر محل اشتغال نیز میان زنان و مردان تفاوت وجود دارد. مردان اغلب در خارج از خانه به کار اشتغال دارند. جدول شماره ۷ نشان میدهد که ۵۰/۳ درصد از زنان روستائی در خانه، ۴۵/۷ درصد در خارج از خانه کار میکنند. از سوی دیگر وقتی عقیده زنان را در مورد مکان شغلی زن پرسش میکنیم مشاهده میشود که اکثریت زنان یا ۷۸ درصد آنان علاقمند هستند در خانه کار کنند و ۱۲ درصد در خارج از خانه و تعدادی اظهار داشته که امکان اشتغال برایشان اهمیتی ندارد. عقیده شوهران نیز نزدیک به عقیده زنان میباشد. ۷۴٪ آنان با کار کردن زن در خانه، ۱۴ درصد در خارج از خانه و ۱۱ درصد خانه یا خارج را ترجیح میدهند.

جدول شماره ۷ عقیده زن و شوهر درباره محل کار

محل فعلی کار زن	عقیده شوهر	عقیده زن	محل کار
تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد	
۵۰/۳ ۷۸	۷۴/۶ ۱۷۴	۷۸/۱ ۲۳۰	الف: ۱- خانه
۴۵/۷ ۷۲	۱۳/۷ ۳۲	۱۲/۲۸ ۳۶	موافقین ۲- خارج از خانه
۴ ۶	۱۰/۷ ۲۵	۷/۱۶ ۲۱	کار زن ۳- خانه یا خارج از خانه
۱۵۸	۲۳۲	۲۹۳	جمع
	۱۳۴	۷۲	ب: گروه مخالف کار کردن زن
	۳۶۷	۳۶۷	جمع کل

مقایسه گروههای سنی نشان میدهد که گروه سنی بالاتر از ۳۵ سال بیشتر با کار کردن زن در خانه و گروه سنی پائین تر از ۳۵ سال بیشتر با کار کردن او در خارج از خانه موافقت تغییر جزئی در عقاید شوهران در گروههای سنی مختلف نسبت به محل کار زن نشان دهنده اینست که نسل جوان برای کسب درآمد بیشتر و رقابت در خرید اشیاء و کالاهای مورد نیاز با همسایگان و خویشاوندان تا حدودی حاضر شده در افکار و عقاید خود در زمینههای مختلف از جمله محل کار کردن زن تغییر دهد. محور فکری آنان نشانه ای از دست شدن موانع فرهنگی در راه توسعه

اشتغال زن است.

مقایسه گروههای شغلی مختلف نشان میدهد که از میان گروههای مختلف شغلی بیش از همه کارگران کشاورزی و کسبه و پیشه‌وران با کار کردن زن در خانه موافقت دارند این تمایل تقریباً در همه گروههای شغلی باشدتی کم و بیش وجود دارد. کارمندان بیش از سایر گروههای شغلی با کار کردن زنان خود در خارج از خانه موافقت دارند. چنین بنظر میرسد که هر چه میزان درآمد و سطح تحصیلات شوهران پائین تر باشد با کار کردن زن در خانه موافقت بیشتری نشان میدهند و برعکس سطح تحصیلات بالاتر و درآمد بیشتر شوهران موجبات سست شدن تعصبات و افزایش امکان کار زن را در خارج از خانه فراهم ساخته است.

جدول شماره ۷ نشان میدهد که زنان تمایل بیشتری از مردان به اشتغال زن در خانه دارند و شوهران بیشتر به کار کردن زن در خارج از آن. وقتی محل کار زن را در ارتباط با رضایت شغلی آنان در نظر میگیریم مشاهده میشود که اکثریت زنان راضی در میان زنان شاغل یافت میشوند که در خانه اشتغال دارند.

رو بهمرفته میتوال گفت که زن و شوهر در باره محل کار زن نسبتاً با هم توافق و همفکری دارند. زنان بعلت سختی کار خارج از خانه از آن گریزان هستند و شوهران بعلت موانع فرهنگی و آرزوی داشتن کانون گرم خانوادگی با کار کردن زن در خارج از خانه مخالفتند بنا بر این لزومی ندارد که زنان را با تبلیغات از خانه‌ها بیرون بکشیم، بلکه بایستی با توجه به خواست زنان و مردان روستائی و احتیاجات مملکت نسبت به توسعه صنایع روستائی در مجاورت خانه‌های مسکونی و بهبود شرایط کار آنان در چهارچوب سیاست توسعه روستائی، اقدام گردد.

دوره مناسب اشتغال زن:

بطور کلی عقاید زنان و شوهران روستائی را درباره دوره اشتغال زن میتوان به دو دسته دسته تقسیم کرده: گروه اول با ۴۷/۶۳ درصد از زنان و ۳۱/۳۳ درصد شوهران با کار کردن زن «قبل از بچه‌دار شدن و بعد از بزرگ شدن بچه‌ها» موافقت کرده دوم با ۵۱/۶۸ زنان و ۶۲/۶۸ شوهران با کار کردن زن در همه دوران زندگی موافقت دارند، در میان گروههای شغلی کارمندان و کارگران کشاورزی «قبل از بچه‌دار شدن و یا بعد از بزرگ شدن بچه‌ها» زمان مناسب برای اشتغال زن میدانند ولی خدمتگزاران جزء دولت تمام مراحل زندگی را برای کار کردن زن مناسب تشخیص میدهند اما در عمل مشاهده میشود که ۴۳/۳ درصد زنان شاغل هستند و این رقم روشنگر این حقیقت است که وقتی خانواده روستائی به نیروی کار زن احتیاج دارند در

اینصورت تمام ملاحظات دمرورد اشتغال زن را ندیده میگیرد و برای رفع نیاز اقتصادی خانواده تلاش میکند.

جدول شماره ۸ عقیده زن وشوهر درباره زمان (دوره) مناسب برای اشتغال زن

عقیده شوهر	عقیده زن	دوره مناسب
تعداد%	تعداد%	الف:
۲/۵۴ ۶	۱۳/۵۲ ۴۰	۱- قبل از ازدواج
۱۱/۴۴ ۲۷	۱۴/۵۲ ۴۳	۲- بعد از ازدواج و قبل از بچه دار شدن
۱/۶ ۴	۰/۶۷ ۲	۳- در زمان داشتن فرزند
۱۳/۵۵ ۳۲	۱۶/۸۹ ۵۰	۴- بعد از بزرگ شدن بچهها
۶۲/۲۸ ۱۴۷	۵۱/۶۸ ۱۵۳	۵- همه وقت
۳/۸ ۹	-	۶- قبل از بچه دار شدن و بعد از بزرگ شدن بچهها
۲/۶۶ ۱۱	۲/۷ ۸	۷- بدون جواب و نمیداند
۲۳۶	۲۹۶	جمع کل
۱۳۱	۷۱	ب- گروه مخالف کار کردن زن
۳۶۷	۳۶۷	جمع کل

البته نگهداری بچه در روستاها هنوز يك مسئله مهم اجتماعی محسوب نمیشود اگر از تعدادی زنان کارگر، معلم و کارمند بگذریم بقیه مشکل زیادی از این حیث ندارند. معهذالغلب زنان ترجیح میدهند که قبل از ازدواج و بچه دار شدن و یا بعد از بزرگ شدن بچهها به کار اشتغال ورزند تا بتوانند وظیفه مقدس مادری و خانه داری خود را بنحواحسن انجام دهند اشتغال زن در کشورهای اروپائی در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال افت قابل ملاحظه ای را نشان میدهد و اکثر زنان در این سنین بعلت داشتن فرزندان شیرخوار و خردسال دست از کار میکشند. ولی در روستا در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی افت اشتغال زن ناچیز است و زنان همچنان به کار ادامه میدهند بنظر میرسد که نگهداری بچه مانع مهمی در راه اشتغال زن روستائی محسوب نمیشود و این شاید بدیل مجاورت مکانی خانوادهها، نزدیکی محل کار و زندگی زن و از همه مهمتر همکاری جمعی در میان روستائیان میباشد.

درآمد زن و شوهر

زنان روستائی در بخش خصوصی و دولتی و با عنوان کارکن خانوادگی به کار اشتغال دارند. ۲۸/۸ درصد بخش خصوصی به کارگری کشاورزی و یا کارگری در کارخانه‌ها مشغول هستند و تعداد قلیلی (۴/۵٪) در بخش دولتی مشاغل کارمندی، پیشخدمتی، معلمی، کارگری کارخانه و غیره را احراز کرده‌اند. اما قسمت اعظم زنان با ۶۵/۴ درصد آنان در گروه خانوادگی فعالیت می‌کنند که اکثریت آنان در بخش کشاورزی به امر زراعت اشتغال دارند.

نیاز به نیروی کار در بخش کشاورزی در هنگام برداشت محصول باندازه‌ای است که حتی کودکان هم بکمک مدیر گروه تولیدی (رئیس خانوار) می‌شتابند. این عده در مقابل کاری که انجام میدهند دستمزدی دریافت نمی‌کنند بلکه همراه با سایر افراد خانواده برای کمک به اقتصاد خانوادگی بارئیس خانواده همکاری دارند. چون درآمد زن یکی از مهمترین متغیر های اقتصادی اجتماعی است و روی سایر متغیرها اثر میگذارد لذا برای روشن ساختن ارزش ریالی فعالیت این گروه ابتدا نوع فعالیت آنان روشن گردید و پس از آن بکمک افراد خبره وریش سفیدان هر روستا حدود ارزش ریالی کار آنان مشخص شد. بر اساس این ملاک میزان درآمد زن تعیین گردید.

جدول ۹- توزیع نسبی درآمد زن و شوهر

درآمد سالیانه زن		درآمد سالیانه زن و شوهر	
تعداد	درصد	تعداد	درصد
۷	۴/۴	۱۷	۲۶/۷
۱۲	۲۸/۹	۷۱	۱۱۱/۲
۱۲	۸/۱	۵۲	۱۴۱/۴
۵۲	۲۲/۲	۹۱	۲۴۱/۸
۵	۲/۱	۵۵	۱۴۱/۸
۱۹	۱۲/۲		

۲۶۷

میانگین درآمد شوهر = ۵۸۲۶

۱۵۹

میانگین درآمد زن = ۴۷۷۲

جدول شماره ۹ نشان میدهد که ۳۸/۹ درصد از زنان بین ۱۰۰۰ تا ۳۶۰۰ تومان در سال ۳۳/۳ درصد بین ۵ تا ۱۰ هزار تومان، ۸ درصد بین ۳۶۰۰ تا ۵ هزار تومان، ۴ درصد کمتر از ۱۰۰۰ تومان و ۳ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان در سال درآمد دارند. مقایسه درآمد زنان بانوع شغلشان نشان میدهد که زنان قالیباف از همه بیشتر و کارگران کشاورز دستمزدشان از همه کمتر است و در بین این دو قطب بترتیب کشاورزان، دامداران و کارگران کارخانه از موقعیت مالی بیشتری برخوردارند.

میانگین درآمد زن روستائی ۴۷۷۲/۸۵ تومان در سال و میانگین درآمد مرد روستائی ۵۸۲۶/۱۲ تومان در سال می باشد.

درآمد زن مبلغ قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد خانواده روستائی محسوب می شود و بهمین دلیل تصور می رود شغل و درآمد او موقعیت وی را در خانواده تحکیم بخشد. ولی در عمل درآمد زن در منزلت او در خانواده تأثیر زیادی بجای نمی گذارد و فقط به زن امکان میدهد که در امور اقتصادی خانواده نسبت به زن خانه دار قدرت بیشتری داشته باشد.

وقتی از زنان شاغل پرسش گردید که آیا میتوانند حقوق خود را به میل خودتان خرج کنید؟ در پاسخ باین سوال ۵۱/۳ اظهار داشتند که می توانند به میل خود حاصل کار و دستمزدشان را خرج کنند و ۴۸/۶ درصد آنان اظهار داشتند که اجازه خرج کردن درآمدشغلی خود را ندارند و ۱/۳ درصد نیز گاهی چنین اختیاری را دارند.

اختیار زن در خرج کردن درآمدش بانوع شغل او ارتباط دارد چنانکه ۷۱/۴ از کارگران کارخانه‌ها می توانند دستمزد خود را بطور دلخواه خرج کنند و بهمرفته می توان قضاوت کرد که زن در مشاغلی که دستمزد ریالی می گیرد استقلال بیشتری پیدا می کند.

همچنین سطح تحصیلات و کار خارج از منزل به زن اختیار و قدرت بیشتری در خانواده می بخشد. اختیار زن در مورد مصرف درآمدش بانوع شغل او ارتباط دارد.

زنان درآمد و یا محصول کار خود را در اختیار شوهر برای صرف امور اقتصادی خانواده می گذارند. قسمت اعظم این درآمد صرف غذا و پوشاک افراد خانوار می گردد. و در مواردی مانند مسافرت یا خرید کالاهاى جدید صنعتی نظیر رادیو، تلویزیون، یخچال، چراغ گاز و غیره صرف می شود تا از مسابقه جدیدی که در مورد خرید اجناس لوکس در روستا وجود آمده عقب نمانند. این مسابقه در نتیجه تبلیغات دروغین بعضی از صاحبان صنایع خصوصی حاصل شده که متأسفانه هیچگونه کنترلی روی آنها نمیشود.

ساخت قدرت :

قدرت زن و مرد در خانواده روستائی تفاوت دارد. در خانواده روستائی مرد رئیس خانوار و صاحب قدرت فراوان است و زن نقش تابعی را در مقابل مرد دارد و باید از فرامین شوهر خود اطاعت نماید. برای شناخت ساخت قدرت در خانواده مطالعاتی در ده سال اخیر در اروپا و امریکا انجام گرفته است و کلیه این مطالعات نشان میدهد که استقلال اقتصادی زن موجب دخالت بیشتر او را در تصمیم گیری فراهم میسازد. نظیر چنین مطالعاتی را در روستاهای اطراف تهران دنبال کردیم تا اثر اشتغال زن را بر تصمیم گیری زن و مرد در امور اقتصادی خانه و امر

تعلیم و تربیت کودک و مشارکت شوهر را در امور خانه داری روشن سازیم. دست آوردهای این تحقیق نشان داد که اشتغال زن روستائی بر قدرت تصمیم گیری شوهر در امور اقتصادی خانه اثر گذاشته و تا حدودی هرم قدرت را بنفع زن تغییر داده است. مقایسه وضع زنان خانه دار نسبت به زنان شاغل روشن میسازد که زنان شاغل در مورد چگونگی امور اقتصادی خانوار قدرت بیشتری دارند.

جدول شماره ۱۱ مسئول تصمیمات خرج خانه بر حسب وضع اشتغال زن

وضع اشتغال زن	مسئول خرج خانه بدون جواب	زن و شوهر	شوهر	زن	پدر شوهر	مادر شوهر	پدر شوهر	خوبش و ندان	سایر دست مربوط	جمع
بدون جواب	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۳
	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
شاغل	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
خانه دار	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
تجمع کل	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰

محاسبات خی دو Chi - square نشان میدهد که میان زنان شاغل و خانه دار از نظر تصمیم گیری در خرج خانه در سطح ۰/۰۰۱ تفاوت معنی دار وجود دارد. اما در زمینه امر تعلیم و تربیت کودک و مشارکت شوهر در امور خانه داری تفاوتی میان زنان شاغل و خانه دار وجود ندارد - بطور کلی میتوان قضاوت کرد که قدرت مرد نسبت به زن در خانواده به مراتب بیشتر است و اشتغال زن فقط قدرت تصمیم گیری اقتصادی وی را افزایش داده است.

جدول شماره ۱۲ انواع کمک‌های پسر در امور خانه‌داری

پسر		دختر		پاسخ
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۴	۱۹۸	۹۶	۳۵۲	۱- بلی
۴۱/۷	۱۵۳	۰/۸	۴	۲- خیر
۱/۴	۵	-	-	۳- گاهی
۳	۱۱	۳/۳	۱۲	۴- بدون جواب

مقایسه وضع پسر و دختر در جدول بالا نشان می‌دهد که نسبت کمک‌های پسر و دختر به مادر ۱ به ۲ می‌باشد و مهمتر اینکه نوع کمک‌های پسر و دختر نیز کاملاً متفاوت است. دختران روستائی در کلیه امور خانه مانند شستن ظروف غذا، آشپزی، جارو کردن و حتی نگهداری بچه به مادر خود کمک مینمایند در صورتی که پسران فقط کارهای سنگین و باصطلاح مردانه را انجام می‌دهند. کمکهای پسران در امور خانه جنبه دائمی ندارد و بیشتر در مواقع استثنائی به کمک مادر می‌شتابند.

جدول زیر انواع کارهایی را که پسر در خانه انجام میدهد روشن می‌سازد. پسر بیشتر در درموارد جزئی مثل سفره انداختن و پذیرائی از میهمان به مادر خود کمک میکند درمواردی هم کارهای سنگین مانند آب آوردن، شستن قالی و رسیدگی به مال را انجام می‌دهد. همکاری پسر در این امور معلول عوامل زیر می‌باشد:

جدول شماره ۱۳ انواع کمکهای پسر درامور خانه داری بر حسب وضع اشتغال زن

جمع	مربوط	سایر	اشتغال اب آوردن	تنگهداری اب آوردن	خرید و پذیرایی	همه نوع کار میهمان	کار به مال	رسیدن قالی	شستن قالی	انداختن سفره	بدون جواب	کمک پسر اشتغال زن
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۰/۳	۰/۷	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۱۰۰	۱۰۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۱۵۸	۷۲	۱۲	۲۳	۲	۸	۲۰	۵	۲	۲	۱۱	۳	۳
۴۳/۱	۴۷/۷	۳۵/۳	۴۱/۱	۱۴/۳	۳۲/۰	۶۰/۶	۵۰/۰	۴۰/۰	۴۰/۰	۴۰/۷	۲۵/۰	۲۵/۰
۱۰۰	۴۵/۶	۷/۶	۱۴/۶	۱/۳	۵/۱	۱۲/۷	۳/۲	۱/۳	۱/۳	۷/۰	۱/۹	۱/۹
۲۰۸	۷۸	۲۲	۳۳	۱۲	۱۷	۱۳	۵	۳	۳	۱۶	۹	۹
۵۶/۷	۵۱/۷	۶۴/۷	۵۸/۹	۸۵/۷	۶۸/۰	۳۹/۴	۵۰/۰	۶۰/۰	۶۰/۰	۵۹/۳	۷۵/۰	۷۵/۰
۱۰۰	۳۷/۵	۱۰/۶	۱۵/۹	۵/۸	۸/۲	۶/۳	۲/۴	۱/۴	۱/۴	۷/۷	۴/۳	۴/۳
۳۶۷	۱۵۱	۳۴	۵۶	۱۲	۲۵	۳۳	۱۰	۵	۵	۲۷	۱۲	۱۲
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۴۱/۱	۹/۳	۱۵/۳	۳/۸	۶/۸	۹/۰	۲/۷	۷/۴	۷/۴	۷/۴	۳/۳	۳/۳

جمع

— روستائیان معمولاً کارهایی را به دختران اختصاص میدهند که تصور میکنند با ساختمان بدنی آنان سازگاری بیشتری دارد.

براین اساس هنگام تقسیم کار، آن نوع از کارهایی را به دختران محول می کنند که ظریف و زنانه باشد و احتیاج به نیروی بدنی زیادی نداشته باشد باین دلیل که دختران را از انجام کارهای سنگین مانند قالی شستن و آب آوردن و رسیدگی به مال معاف می کنند.

جدول ۱۳ همچنین روشن می کند که پسر در خانواده زن شاغل در مقایسه با خانواده زن خانه دار کمتر به مادرش کمک می کند و این امر مسلماً بعلت پائین بودن سطح سواد زنان خانه دار و شوهران آنان و ریشه دارتر بودن اعتقادات و تعصبات مذهبی میباشد. پسران هم مانند دختران در امر نگهداری بچه به مادران خود کمک میکنند ولی همانطور که جدول شماره ۱۳ نشان میدهد تفاوت فاحشی میان خانواده های شاغل از لحاظ کمک پسران وجود دارد مقایسه ستون نگهداری بچه در نزد زنان شاغل از طرف پسران جهت کمک به مادران شاغل ۱۴/۳ درصد است در صورتی که این رقم در خانواده های زنان خانه دار به ۸۵/۷ درصد افزایش پیدا می کند.

آنچه که در جدول ۱۳ بنظر میرسد اینست که ۳۳ نفر یا ۹ درصد پسران در خانواده های شاغل و خانه دار همه نوع کار را در خانه انجام میدهند و فرقی بین پسران و دختران وجود ندارد. این دست آورد گرایش خانواده های روستائی (اعم از شاغل و خانه دار) را جهت برابری بیشتر رفتار زن و مرد در امور خانه نشان میدهد ولی بطور کلی میتوان قضاوت کرد که نوع کارها و کمک های پسر در امور خانه با نوع کارها و وظایف دختر در امور خانه کاملاً تفاوت دارد. گروه دیگر پسرانی هستند که در امور خانه به مادران خود کمک نمیکنند. مادران برای عدم همکاری آنان دلایلی می آورند که بیشتر ناشی از اعتقادات رایج در جامعه روستائی است و پایه منطقی ندارد.

جدول شماره ۱۴ عقیده مادر در مورد علل عدم همکاری پسر در امور خانه داری

درصد	تعداد	علل عدم همکاری
۶۰	۹۶ نفر	۱- پسر به پدر دختر به مادر
۱۳/۷	۲۲	۲- رسم نبودن
۷	۱۱	۳- بلد نبودن
۸	۱۳	۴- تحصیل
۱۱/۳	۱۸	۵- بدون جواب و سایر

از روی جدول بالا میتوان بهریشه‌های فرهنگی عدم همکاری پسر در امورخانه داری بخوبی پی برد. تعداد قلیلی ازمادردان ۱۱ نفر یا ۷ درصد علت عدم همکاری پسر در انجام کارهای منزل عدم آشنائی او باین موردانسته‌اند. در واقع چون در محیط خانواده کارزن وشوهر بر اساس تفکیک جنس آنان استوار بوده است پسرالگوئی برای انجام امورخانه‌داری نداشته است و همواره مانند پدر ازانجام کارهای منزل سر باز زده است. ۱۳ نفر یا ۸ درصد بعلت این که فرزندشان درس میخواند او را از کار کردن در خانه معاف میدارند.

جدول شماره ۱۵ شیفته مادر در مورد طل عدم همکاری پسر در امورخانه داری بر حسب وضع اشتغال مادر

عدم همکاری پسر اشتغال زن	بدون جنوب	رسم نبردن	بلد نبودن	کار در بیرون خانه	پسریه پدر به مادر	شهر داشتن خواند	درس سپار	مربوط نیست	جمع
بدون جواب	۰/۰ ۰/۰	۰/۰ ۰/۰	۰/۰ ۰/۰	۰/۰ ۰/۰	۰/۰ ۰/۰	۰/۰ ۰/۰	۰/۰ ۰/۰	۰/۰ ۰/۰	۱۰۰
شاغل	۴ ۰/۶	۷ ۲/۸	۶ ۲/۶	۱۰ ۰/۶	۳ ۰/۶	۵ ۰/۶	۴ ۰/۵	۸۳ ۰/۶	۱۵۸ ۰/۶
خانه دار	۱۰ ۲/۴	۸ ۲/۸	۳ ۲/۶	۲۰ ۲/۶	۴ ۰/۶	۸ ۰/۶	- ۰/۰	۱۳۴ ۰/۶	۲۰۸ ۰/۶
جمع	۱۴ ۲/۸	۱۴ ۲/۸	۱۱ ۲/۰	۳۰ ۰/۶	۲۱ ۰/۶	۱۳ ۰/۶	۴ ۰/۵	۲۰۷ ۰/۶	۳۶۷ ۰/۶

پسرانی که در کارخانه همکاری دارند و کسانی که گاهی کمک می کنند به جمع کل افزوده شده است زنان خانه دار که از سطح تحصیلات بالاتری نسبت به زنان شاغل برخوردارند عقیده دارند که پسر باید درس بخواند و نیازی به همکاری او در امورخانه داری نیست تقریباً ۲ نفر از زنان خانه دار در برابر یک نفر از زنان شاغل این عقیده را ابراز داشته اند تفاوت دیگر را می توان در مورد «محل کار کردن» دانست ۴۹/۲ درصد از زنان شاغل در مقابل ۵۰/۸ درصد از زنان خانه دار عقیده دارند که پسر باید به پدر و دختر باید به مادر کمک کند.

محاسبات خی دو Chi-square نشان میدهد که میان عقاید زنان شاغل و خانه دار در مورد علل عدم همکاری پسر در امورخانه داری تفاوت معنی دار در سطح يك هزارم وجود دارد. $(X = 32/598 \quad df = 18 \quad S = 0/001)$ بر اساس نتایج حاصله میتوان قضاوت کرد که در خانواده های روستائی از بد تولد نقش پسر و دختر از یکدیگر تفکیک شده است. پسر

باید به پدر در خارج از خانه کمک کند و از کارخانه‌داری سر باززند بدلیل اینکه کارخانه زنانه و مغایر عرف و عادات جامعه روستائی است و موجبات تحقیر پسر را در جامعه فراهم میسازد. از سوی دیگر دختر باید به مادرش در امور خانه‌داری بچه‌داری کمک نماید. تقسیم کارخانه میان دختر و پسر یکی دیگر از نشانه‌های نابرابری و رفتار زن و مرد می‌باشد. کودک چنین رفتاری را از پدر و مادر خود از طریق اعمال روشهای تربیتی و یا مشاهدات مستقیم خود فرا می‌گیرد. از میان نهادهای اجتماعی، خانواده بیش از همه در سازمان رفتار کودک اثر می‌گذارد. الگوهای رفتاری را که کودک بطوریکسان در محیط خانواده و در سایر محیط‌های اجتماعی کسب میکند بتدریج برای او بصورت واقعیاتی جلوه‌گرمی شود. پسر و دختر با این الگوهای رفتار معین و از پس ساخته به زندگی زناشویی اجتماعی و شغلی قدم می‌گذارد و در این مرحله از زندگی تجربیات گذشته خود را عملاً آزمایش می‌کند.

زن بر طبق الگوهای فرهنگی به بچه‌داری و خانه‌داری می‌پردازد چون در محیط خانواده او را برای این وظایف آماده کرده‌اند. و تربیت شغلی او منحصر به برخی صنایع دستی و کارهای کشاورزی است که در جریان زندگی بطور عملی از مادر فرا گرفته است و مرد در زناشویی بعنوان رهبر و نان‌آور خانه عمل می‌کند.

از نظر احراز مشاغل نیز میان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. دختر از میان مشاغل متعدد فقط چند شغل را می‌تواند انتخاب کند در صورتی که پسر آزاد است هر شغلی را به ذوق و سلیقه خود انتخاب نماید. در زمینه آموزش نیز پسران شانس بیشتری برای راه یافتن به مدارس را دارند در صورتی که شروع و ادامه تحصیل دختران بعزت تعصبات مذهبی و وابستگی به نظامهای کهن ارزشها باموانعی روبرو است.

از نظر تربیت شغلی نیز دختران و پسران روستائی بایکدیگر تفاوت دارند پسر از پدر خود در جریان روزمره فنون کار را می‌آموزد و دختر از مادر هنرهای دستی را فرا می‌گیرد. پسر حافظ نام و ارزشهای خانواده است و دختر برای حفظ و بقاء خانواده دیگری تلاش می‌کند. پسر باید در خارج از خانه کار کند و دختر در داخل خانه. پسر برای فرمانروائی و دختر برای فرمانبرداری و خدمتگزاری.

مادر روستائی بر اساس فرهنگ جامعه از پسر می‌خواهد در خارج از خانه پدرش کمک کند و از او انتظار کمک به امور خانه‌داری را ندارد، بررسی نوع کارهایی که پسر در خانه انجام میدهد روشنگر این حقیقت است که فقط نیمی از پسران در امور خانه به مادران خود کمک می‌کنند. نوع کار آنان با دختران تفاوت فاحش دارد و کارهایی را شامل می‌شود که بیشتر سنگین

وجنبه مردانه دارد و انجام آن از عهده دختران بعلی خارج است برعکس همه دختران در امور خانه‌داری و حتی بچه‌داری به مادر خود کمک می‌نمایند. کودک از روی رفتار پدر و مادر الگو برمی‌دارد و وقتی مشاهده می‌کند که مادر در تمام دوره‌های زندگی مجبور است کار خانه‌داری و بچه‌داری را انجام دهد اینگونه رفتار در شخصیت کودک تأثیر می‌گذارد و باین ترتیب نقش کدبانوئی زن برای او امری عادی تلقی می‌گردد و بعد مطالبی که درباره برابری زن و مرد گفته می‌شود در او اثر چندانی نمیتواند داشته باشد زیرا سنین اولیه کودک در تشکیل سازمان رفتار او اثر گذاشته و تغییر آن در سنین بزرگسالی بسیار دشوار می‌باشد.

فروید Freud و اریک اریکسون E. Erikson عقیده دارند که والدین از سنین اولیه زندگی کودک بطور ناخودآگاه الگوهای فرهنگی را بکودک می‌آموزند.

اریک اریکسون می‌گوید، «والدین در دوره کودکی، سلوک رفتار و قواعد بینائی الگوهای فرهنگی خود را بطور منظم و ناخودآگاه در نظام عصبی کودک جای میدهند.

فروید مؤسس مکتب پسیکانالیز نیز معتقد است که رفتار انسان در چند سال اولیه زندگی تأثیر بسزائی در سازمان رفتاری او می‌گذارد. او خصوصاً به انگیزه ناهشیار دوران کودکی که در ناخودآگاه شخص جایگزین شده است اهمیت فوق‌العاده زیادی میدهد. وقتی از کودکی پسر می‌گیرد که از نظر فرصت‌های شغلی، آموزش، تربیت شغلی، تصمیم‌گیری در امور اقتصادی خانه مشارکت در امور خانه و بالاخره تصمیم‌گیری امور تربیتی کودک میان زنان و مردان تفاوت وجود دارد این الگوهای رفتاری را در زندگی شغلی و زناشویی و اجتماعی خود عملی می‌سازد و دیگر نمیتوان افکار برابری رفتار زن و مرد را در بزرگسالی به او تفهیم کرد.

پیشنهادهات:

از نظر قانونی برابری امکانات و رفتار زن و مرد تأمین است و ظاهر آن کسی از نا برابری زن و مرد سخنی نمی‌گوید. اما در عمل اختلاف فاحشی میان زنان و مردان از نظر آموزش، نوع شغل، فرصت‌های شغلی، تربیت شغلی، تصمیم‌گیری در امور اقتصادی و امر تعلیم و تربیت کودک و مشارکت در امور خانه‌داری وجود دارد. برای رفع این موانع پیشنهاد می‌نماید:

الف - توسعه آموزش:

۱- انتخاب سیاهی داوطلب: بر اساس این تحقیق ۷۲ درصد زنان روستائی بیسوادند و بقیه تحصیلاتی پائین‌تر از سطح ششم ابتدائی دارند چون آموزش زیرساز مهارت و وسیله از بین بردن تبعیضات میان زنان و مردان میباشد برای رفع این نقیصه پیشنهاد میشود که علاوه

برسپاهی دانش از وجود سپاهیان داوطلب نیز تحت شرایطی استفاده میشود.

۲- آموزش دائم از طریق وسائل ارتباط جمعی: دولت باید از وسائل ارتباط جمعی مخصوصاً ایستگاههای رادیویی محلی برای آموزش دائم روستائیان استفاده نماید. بموازات این اقدام به توسعه ایستگاههای تلویزیونی نیز اقدام گردد.

۳- کلاسهای مبارزه با یسواد و سوادآموزی مفید به زندگی افزایش یابد و از کار کردن کودکان کم سال در مزارع و کارخانهها جلوگیری بعمل آید.

۴- معلم زن در دوره راهنمایی: اغلب روستائیان شرایط ادامه تحصیل دختران خود را در دوره راهنمایی موکول به داشتن «معلم زن» مینمایند. بنابراین مصلحت اینست که موقتاً از معلمین زن در این دوره استفاده شود.

۵- کمک نقدی: برای تشویق خانوادههای روستائی به ادامه تحصیل دختران در دوره راهنمایی و رفع مقاومت آنان بایستی بخانوادههایی که فرزندان خود را برای ادامه تحصیل به دوره راهنمایی می فرستند کمک نقدی شود.

۶- مدارس مختلط: برای رفع تبعیضات میان دختران و پسران بایستی مدارس مختلط ایجاد شود.

۷- کتب درسی: واریسی مطالب کتب درسی و حذف مطالبی که الگوهای نابرابری زن و مرد را القاء میکنند.

ب - مذهب:

برای رفع تبلیغات سوء برخی آخوندکها در زمینه نقش زن و مرد و روشن ساختن حقایق دین اسلام باید از طریق وسائل ارتباط جمعی و ترتیب جلسات بحث گروهی، مردم را در جریان واقعیات دین اسلام به احتیاجات دنیای امروز و نیازهای مملکت قرار داد. و موارد برابری زن و مرد و هدف از این برابری را برای آنان تشریح کرد.

ج- نوع شغل و فرصتهای شغلی

بر اساس آمار سازمان برنامه ناپایان برنامه پنجم عمرانی سال ۱۳۵۶ تعداد

۱/۸۰۰/۰۰۰ شغل جدید ایجاد میشود و تعداد ۳۰۰/۰۰۰ نفر از روستائیان از بخش کشاورزی بطن مکانیزه شدن زراعت مرخص خواهند شد. با توجه باین ارقام و در نظر گرفتن این نکته که ایران در حال حاضر از نیروی خارجی برای تصدی اینگونه مشاغل استفاده میکنند بخوبی نیاز به نیروی انسانی در بخش خدمات و صنعتی احساس میشود برای رفع احتیاج مملکت به نیروی

انسانی بایستی مواعینی که در راه توسعه اشتغال زن وجود دارد رفع شود و زنان به اشتغال در بخشهای صنعتی تشویق گردند. بنابراین باید از هم اکنون بمواذات برنامه‌های بلند مدت، تصمیماتی هم برای رفع نیازهای موجود مملکت گرفته شود از جمله میتوان برای کارفرما که زنان را در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی استخدام می‌کنند پاداشی در نظر گرفته شود و برای آموزش حرفه‌ای دختران کلاسهای شبانه روزی تأسیس گردد.

خانواده:

برای رفع نابرابری رفتار زن و مرد باید اینکار از خانراده شروع شود و از والدین خواسته شود که الگوهای رفتاری یکسانی را به فرزندان خود بیاموزند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی